

مهندس نورالله باستانی*

آنکه باشد نامداری کم نظیر

آنکه باشد نامداری کم نظیر	هست نام نامیش روشن ضمیر
بامستی دان ورا نام و نشان	چونکه در گفتار باشد دُریشان
نیک نفس و باوقار و خاضعت	دلنواز و جانفزا و جاذبست
او ادیب و شاعری والا بود	گفته هایش چون گلی زیبا بود
مجلس او محفل روشنگری	باشد او را گفتگو از هر دری
در ادبیات فرانسه دکتر است	که مقام شامخی را درخور است
هست مستون زبان آذری	چون بود او را زبان مادری
گفته های نغز او باشد چنان	که شود ورد زبان این و آن
در زبان فارسی با نور جان	کرده اسرار نهان را او عیان
همدم ملای روم و شهریار	محرم آن عاشقان کوی یار

* از ارادتمندان استاد مرحوم، دکتر روشن ضمیر

واله آن دو عزیز نامدار
 یک کتاب بر گفته‌های این دو تن
 گر بخوانی صفحه‌ای از این کتاب
 سبک او باشد بسان مولوی
 کرده در تعلیم و تعلم عمر صرف
 گر نمائی تو بر آثارش نظر
 کاخ دانش را هما و فر از اوست
 آسمان علم را او آفتاب
 تربیت کرده بسی دانش‌پژوه
 حاصل عمرش بود نور امید
 هست «محرّم» قاصر از توصیف او

وادی وجد و طرب را یادگار
 کرده است پر این یل شیرین سخن
 مر تو را کی شد رهائی جز بخواب
 پُسر زگفتار و مثل‌های غنی
 بحر دانش گشته و دریای ژرف
 خویش را یابی تو در گنج گهر
 گنج دانش را کلید زر از اوست
 رهروان عشق را او ماهتاب
 که مر او را داده اجلال و شکوه
 در دل و از کِشْتَه خود روسفید
 خواهد از حق عزت و توفیق او